

فضول باشی و مطالبه‌گری

هرچه به برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی نزدیک می‌شویم بر تعداد مطالبه‌گران در فضای مجازی افزوده می‌شود. برخی‌ها که بر خلاف انتظارشان، در سال‌های اخیر به نان و نوایی نرسیده‌اند لباس مطالبه‌گری بر تن نموده و از این راه می‌خواهند در سطح جامعه خودی نشان بدهند و به خواسته‌هایشان برسند و مطالبه‌گران واقعی را زیر سؤال ببرند. من هم می‌خواهم که برای یک یا دو ماه هم که شده مطالبه‌گر بشوم. در لباس مطالبه‌گری نقشه‌ها ترسیم بکنم و تا رسیدن به هدف کوتاه نیایم. مگر من چه کم‌تر از دیگران دارم که یک کانال و یا یک صفحه در فضای مجازی نتوانم راه‌اندازی بکنم؟ مگر سوادی در حد خواندن و نوشتن ندارم که از برخی‌ها حالی بپرسم و تلنگری بزنم و به ترسیدن و تسلیم شدن وادارشان نمایم؟ از برخی به‌ظاهر مطالبه‌گران، حرفه‌هایی می‌زنند که نگو و نپرس، آن‌ها گویا قصد دارند در دو ماه آینده کسری زندگی خود را با تهمت و تهدید و تخریب و تعریف و تمجید جبران بکنند و در نیمه دوم اسفند به ریش انتخاب شده‌ها و نشده‌ها بخندند. آن‌ها می‌خواهند زمانی‌که مغلوب شده‌ها از درد به خود می‌پیچند آواز بخوانند و از پول‌های بادآورده بهترین لذت‌ها را ببرند.

گفتم: فضول‌باشی تو یکی را که من می‌شناسم، این‌کاره نیستی و نمی‌توانی دروغ بگویی. تو قادر نیستی که هر ساعت به رنگی دربیایی و روزی بر له و روزی دیگر برعلیه یکی حرف بزنی. تو از آن‌هایی نیستی که به‌زور فضای مجازی در حریم خصوصی افراد وارد بشوی و زیر پای آدم‌ها را خالی نمایی. این‌که بخواهی با آبرو و حیثیت افراد بازی بکنی تا شاید چندرغازی به دست آوری و چاله‌چوله‌های زندگی‌ات را پر بکنی، تو نمی‌توانی، مطمئن باش همان روزهای اول لو می‌روی و مشقات باز می‌شود.

گفت: با همین کارهاست که از پیشرفت و قافله آن عقب مانده‌ایم. پایبند اخلاق شده و برای خروج از صراط مستقیم تن نداده‌ایم و در مقابل، روزگار و زندگی خود را با درد و مصیبت سپری کرده‌ایم. وقتی تازه به دوران رسیده‌های مدعی مطالبه‌گری را می‌بینم که در کم‌ترین زمان از چه امکاناتی برخوردار شده‌اند به خودم لعنت می‌فرستم، باید فکری بکنم و برای خودم سقفی تعریف نمایم و نقش مطالبه‌گر را تا رسیدن به آن بازی کنم.

گفتم: تو برو به زندگیاٲ برس، با کمبودها بساز و از برای سلامتیاٲ شکر گزار باش. پولهایی که از دروغ و نامردی به دست آید پایان خوشی نمیتواند داشته باشد. تو از آنهایی نیستی که چشم در چشم آدمها بکنی و مثل آب خوردن دروغ بگویی، برو دعا کن خداوند کسری زندگیت را از یک راه حلال تأمین بکند.

چوپان دروغگو مرده بود از او پرسیدند؛ اسمت چیه؟ گفت: دهقان فداکار!!